

## سیره تقریبی فقهای فریقین!

آنچه که روشن است در حوزه درسی حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) علاوه بر اصحاب خاص و شیعیان از شخصیت‌های غیر شیعه زیادی با گرایش‌های مختلف دینی و مذهبی در رشته‌های گوناگون حضور داشتند و با آن حضرت و اصحابش ارتباط علمی و حدیثی برقرار می‌کردند.

در این میان علاوه بر پیشوایان مذاهب اربعه، جمعی از بزرگان اهل سنت که بعضی شخصیت‌های فقهی، حدیثی و کلامی به شمار می‌آمدند، که در سلسله سند احادیث قرار دارند و از طریق خود از امام صادق علیه السلام روایت کردند که اسامی همه در منابع موجود است. چنان که این وضع نسبت به امامان معصوم بعدی نیز همین طور ادامه داشت.

در آغاز عصر غیبت کبری همین روند با الهام از سیره ائمه معصومین علیهم السلام ادامه یافت، شیخ محمد بن یعقوب معروف به «شیخ کلینی» متوفای ۳۲۹ هـ ق از شخصیت‌های برجسته حدیثی و فقهی شیعه در بغداد مورد اعتماد و مراجعه شیعه و سنی بود و به لقب «ثقه الاسلام» شهرت یافت، یعنی مورد وثوق جامعه مسلمین اعم از شیعه و سنی شد. علاوه بر اساتید شیعی، دو نفر محدثان سنی؛ محمد بن احمد جبار و علی بن ابراهیم بن عاصم از استادان وی به شمار می‌آیند.

در ادامه این روند فقهای دیگر مانند: شیخ صدوق، سید رضی، سید مرتضی، شیخ طوسی، ابن شهر آشوب، خواجه نصیر الدین طوسی، علامه حلی، شهید اول، شهید ثانی، شیخ بهایی و ... در جهت تقویت ارتباط میان علمای شیعه و سنی تلاش‌های چشمگیری انجام دادند. این فعالیت‌ها می‌تواند در سه محور مورد توجه باشد:

۱- فقهای شیعه و سنی به خصوص در آغاز غیبت کبری در حوزه درسی یکدیگر حضور می‌یافتند و از نظر علمی، فقهی و حدیثی از هم بهره‌مند می‌شدند. فقهایی که نامشان برده شد معمولاً یک تا ۲۰ نفر استاد سنی مذهب داشتند و یا به همان مقدار برای علمای سنی تدریس کردند.

۲- اکثر این فقها و علمای بزرگ اجازه نقل حدیث به علمای اهل سنت صادر کردند و متقابلاً از آنها

اجازه نقل حدیث اخذ نمودند. که متن یا گزارش این اجازه نامه ها در کتب طرفین موجود می باشد.

۳- مسافرت هایی که فقهای هر دو فریقین به اقصا نقاط کشور های اسلامی کردند از ری، عراق، ایران و لبنان گرفته تا ماوراء النهر، سمرقند، بخارا، خراسان و هند به دنبال فقیه سنی و شیعی بودند تا از محضر هم حدیث یاد بگیرند و علم بیاموزند.

همه اینها نشان می دهد که دانشمندان شیعه و سنی در عصر ائمه، دوران غیبت صغری و آغاز عصر غیبت کبری ارتباط نزدیک، صمیمی و مثبت به هم داشتند و به خصوص صدور اجازه روایی بهترین دلیل بر این واقعیت و حقیقت تاریخی است که آنها به هم اعتماد، وثوق و اطمینان کامل داشتند.

جالب این است در دوران عصر صفویه که سران حکومت عثمانی سرگرم جنگ و گریز و کشت و کشتار با ایران و به دنبال توسعه سلطنت و قدرت بودند، شخصیت هایی مانند شیخ بهایی و دیگران به مناطق علمای سنی نشین مانند بیت المقدس و جاهای دیگر سفر کردند و با هم ارتباط علمی و حدیثی برقرار می نمودند و از همدیگر اجازه روایی می گرفتند و با زبان حال از روح سلطه گری و مقاتله تبری می جستند.

در مقاطع و روزگاران اخیر نیز شاهد تلاش های تقریبی فقهای بزرگ و علمای سترگ از طرف هر دو مذهب هستیم در یک سو منادیان وحدت: سید جمال الدین اسد آبادی، سید عبدالحسین شرف الدین، شیخ جعفر کاشف الغطا، شیخ عبدالکریم امام زنجانی، سید حسین بروجردی و امام موسی صدر ها را مشاهده می کنیم که ندای وحدت سر داده و پرچم صمیمیت بر دوش گرفتند؛ از آن سوی صدای طنین انداز طلایه داران تقریب شخصیت های برجسته اهل سنت مانند: شیخ محمد عبده، شیخ محمد غزالی، سید قطب و شیخ محمود شلتوت ها را با گوش و جان می شنویم که امت اسلامی را از اختلافات بر حذر داشته و به یک پارچگی و تفاهم دعوت می کنند.

امروز بر امت اسلامی لازم و واجب است به سیره و سنت سلف صالح خویش برگردد. ما در صدر اسلام و در عصر حضور ائمه علیهم السلام و حتی آغاز دوران غیبت کبری برغم اختلاف در برخی مسائل و فروع در کنار هم بودیم استاد و شاگرد هم می شدیم و از هم اجازه نقل حدیث می گرفتیم.

اما متأسفانه هر چقدر از آن دوران فاصله گرفتیم به همان اندازه نیز از هم جدا شدیم و دور مانیم، در این میان شیاطین، خناسان و دشمنان مشترک طرفین از این نقطه ضعف بهره برداری بهینه کردند و آنچه می بایست نمی شد مرتکب شدند و پیکر امت واحد اسلامی را چند پاره، مجروح و مصدوم ساختند و

پیروان مذاهب را پراکنده و سردر گم نمودند.

امروز هفته وحدت که در بطن نظام جمهوری اسلامی ایران شکل گرفته است در راستای بازگشت به همان سیره ی سلف صالح است و نیاز مبرم به شخصیت‌هایی مانند: شیخ بهایی‌ها، شیخ شلتوت‌ها و بروجردی‌ها دارد.

منبع: شبکه اجتهاد/ عبدالرحیم اباذری